


 آیا نمی‌دانند که خداوند آنچه را پوشیده می‌دارند  
و آنچه را آشکار می‌کنند می‌دانند؟

بقره/۷۷



گتی ایمیج-نجات تمدنی حیوانات در باغ وحش اوزاکا، ژاپن



گاردن-گیر کردن لایک پیشتری در تور ماهیگیری، جزایر گرانادا



فرانس پرس-پسرچه ای محظوظانشی رنگین کمان‌های غروب، کلمبیا

۷۷

۷۸

## آیات نور

شکر نشانه رشد انسان است

حاجت الاسلام و المسلمين قراطی در تفسیر آیات ۳۴ «ایس» درباره معجزات قرآن، رشد و تکثیر گیاهان، درس گفتند انسان از این روند و شکر برای آن، با این مضمون که: «و در آن، باعهای از درخان حرم و ایکور قرار دادیم و در آن چشمی ها شکافت و روان ساختیم تا از موه آن و آن چه دستان شان به عمل اورده است، بخودن، پس چرا سیاس گزاری از آن چه زمین می‌کنند؟ بنزه است خدایی که تمام زوج ها را آفرید، از آن چه زمین می‌رویند و از خود مردم و از آن چه نمی‌دانند، نهایی را مطرح کرده اند که می‌خواهید: ۱- در تعذیب نشست اول بحربات و دانه هاست و سیس موبه ها، ۲- وظیفه انسان در برایر نعمت ها، معرفت و شکر است. ۳- تکش مانشانه رشد ماست، او تبازی به شکر و سپاه ما ندارد، ۴- قانون زوجیت در بخلوقات را به ذات الهی سوابیت نماید، ۵- پیشنهاد داده و میوه از طرق قانون زوجیت است. ۶- انسان در مسائل جسمی و جنسی در ردیف دیگر موجودات است. ۷- در هستی موجوداتی هستند که نوحه زوجیت آن ها برای پسر ناشاخته تفسیر نور است.

## فتوترانه



## حکایت

## کخداد و دوست زبان نفهم

شخصی که ساقه دوستی با کخدادی را داشت روزی مقداری گندم به آسیاب برد، چون آرد کرد، بر الاغ خود نهاد و چون زندگی مزبل کشیده از خانه خارج شد، اتفاقاً خوش لیک شد و باشش به مزن افداد آن شخص کشیده از خانه خارج شد و در خاسته کرد تا آلغش را او بدهد و باش را به مزبل برساند. چون کخداد قبل از خود بود که الاغش را به کسی ندهد، به آن مرد گفت: «الاغ من نیست!» اتفاقاً همان خلده صدای اغ از مزبل شد و بنای عر کردند گذاشت. آن مرد به کخداد گفت: «الاغ تو در خانه است و می‌گویی نیست؟ کخداد با نازحتی گفت: «عبد دوست نادانی هستی تو! پنجه سال با من رفیقی، حرف مرآ باور نداری و لی حرفل اغرا باور می‌کسی!»

## بریده کتاب

## مراقب آدم‌های خوب باشید!

تهبا بدی اش این بود که خلی خوب بود! بعضی از ادمها آنقدر خوب شدند که تبادل پهلوی نزدیک شد! باید آنها را زادر دید، از دور سلام کرد، از دور لبخندیزد، از دور دوست داشت. شاید این هم یک جور داشتن باشد، آخه زندگی متخصص اینه که آدم‌های خوب را از گیره!

برگرفته از: آثار کنیکا، ۸۹ درجه جنوی، اثر روزبه معین



## اندکی صبر

## انکاس زیبایی‌ها

صبح های مان بی شک می تواند زیباتر باشد اگر تنهای غوغه زندگی مان مهربانی باشد جای خوبی نمی‌رود یک روزه زنی زندگی‌ها لخدمانه را خند پرس خواهیم گرفت شاید خلی زیباتر... سحرستگار



## از اون لحظه

## ماره‌همه شب نمی‌برد خواب

یک زمانی آمدها ظاهر و باطن زندگی شان یکی بود و اعقا همان لحظه، همان چیزی بودند که ما می‌دیدیم. مثلاً وقتی طرف می‌صیح جمعه با یک لا عرق گیر و بی‌امراه از خانه‌شان لم داده بود، تخته «جانبی» می‌شکست و اورش و مردم؛ می‌دید، واقعاً همین بود، خودش بود، کسی که با عرق گیر نشسته، دارد ورزش و مردم می‌بیند و از اجرای نظری بهم شفعت گرفتند. اما الان این طور نیست. الان طرف ممکن است همین لحظه که نشسته دارد با یک لا عرق گیر و بی‌امراه ورزش و مردم می‌بینند (قاعدتاً نیاید این طور می‌شد ولی این آقای شفعت تا آقای حبایر را از تلویزیون بیرون نشستند، ظاهر نمی‌خواهد بازنشسته شود) ممکن است کسی عکس از سه‌چشمی هم می‌برد. این طور که کلمنجارو از یک کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح دیگر با رفیق دیرینه جناب کلمنجارو و چای تازه آشیست، همه می‌از جمله همسرش که در دو متیر اش نشسته، پلافلسه هجوم می‌آورند و زیرش کامنت می‌گذارند: درود بر شرف سخن‌خیزت کن! همیشه به کو و گش و گدار و طرف صیح که از خواب بیدار می‌شود، این لحظه من، باز هم صحیح د